



صدا و سیاهی جمهوری اسلامی ایران
مقاومت فضای مجازی
اتاق وضعیت

رصد جامع فضای مجازی

واکنش‌ها به تحرکات و تلاش رسانه‌های معارض برای
تحریک افکار عمومی به اعتراض و اعتصاب سراسری

۲۵ مرداد الی ۳ شهریور ۱۴۰۵

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزاره‌های اصلی

تلاش جریان معاند برای پیوند زدن مشکلات معیشتی به مفهوم «رهاشدگی» و ضرورت مبارزه خیابانی، در حال تبدیل شدن به یکی از خطرناک‌ترین محورهای روایت‌سازی علیه نظام است؛ این جریان با بازنمایی این ادعا که مسئولان نسبت به سفره مردم بی‌تفاوت شده‌اند، می‌کوشد از مشکلات اقتصادی فراتر رفته و یک «بحران وجودی» میان مردم و نظام خلق کند؛ هدف نهایی این روایت، تبدیل نارضایتی‌های اقتصادی به یک انگیزه سیاسی برای تقابل مستقیم و فروپاشی از درون است؛ تداوم این روایت می‌تواند مرز میان «گلایه اقتصادی» و «اعتراض سیاسی/ساختاری» را از بین برده و زمینه‌ساز آشوب‌های خیابانی شود.

۱

روایت‌سازی پیرامون «نقشه دشمن» برای بهره‌گیری از نارضایتی‌های معیشتی، در حال تبدیل شدن به خط مقدم دفاع روایی توسط جریان‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب است؛ این جریان با روشنگری درباره سوءاستفاده عوامل بیگانه از شکاف‌های اجتماعی، تلاش می‌کند تا بین مردم و مشکلات اقتصادی‌شان، یک فضای آگاهی ایجاد کند تا از تبدیل شدن نارضایتی به ابزار تجزیه یا بی‌ثباتی جلوگیری شود؛ تداوم این روایت می‌تواند مانع از آن شود که بحران‌های اقتصادی به ابزاری در دست قدرت‌های خارجی برای مدیریت بحران‌های داخلی تبدیل گردد.

۲

موضوع «دیپلماسی به مثابه راهکار ثبات معیشتی»، در حال تبدیل شدن به یک میدان رقابت روایی در لایه اصلاح‌طلبانه است؛ اصلاح‌طلبان با تأکید بر لزوم پایان جنگ و فعال‌سازی کانال‌های دیپلماتیک، معتقدند تنها راه بازگشت به امنیت اجتماعی و بهبود قدرت خرید مردم، کاهش تنش‌های بین‌المللی و رفع تحریم‌هاست؛ آن‌ها مذاکره را نه یک انتخاب سیاسی، بلکه یک ضرورت برای «امنیت معیشت» معرفی می‌کنند؛ از این رو، هرگونه تحول در روابط خارجی، از نگاه این جریان، مستقیماً با شاخص‌های رفاه عمومی و آرامش اجتماعی گره خورده است.

۳

مسئله معیشت در حال تبدیل شدن به نقطه تلاقی میان «امنیت ملی» و «بقا یا فروپاشی اجتماعی» است؛ در حالی که معاندین از معیشت برای ایجاد «مبارزه خیابانی» استفاده می‌کنند، جریان‌های داخلی (اصولگرا و اصلاح‌طلب) در تلاش‌اند تا با روایت‌های متفاوت (از «آگاهی از نقش دشمن» تا «ضرورت دیپلماسی»)، این بحران را در چارچوب حفظ نظام و جلوگیری از آشوب مدیریت کنند؛ در این فضای جنگ روایت‌ها، تعیین اینکه «علت اصلی فلاکت اقتصادی» (تحریم/فشار خارجی یا ناکارآمدی ساختاری) چگونه بازنمایی شود، تعیین‌کننده مسیر آینده ثبات اجتماعی خواهد بود.

۴

”شبکه

مسائل

انتقادات به ضعف
دولت در مبارزه با گرانی در
بحران معیشتی کشور

ضریب‌دهی از گزارش‌های
مردمی درباره کسادى بازار و
ناتوانی مردم در خرید

بهره‌برداری معاندین از طرح
طرد اقتصادی ترامپ برای سلب
امنیت روانی جامعه

موج سواری معاندین از
شوک بنزینی و عبور دلار از
۲۰۰ هزار تومان برای تهییج
مردم به اغتشاش

مانور معاندین بر آشفتگی بازار
خودرو و اعتراضات خریداران
خودرو لیزینگی

برجسته‌سازی
تجمعات اعتراضی
بازنشستگان

کـلـان روایت ها

تاکید بر لزوم پایان
جنگ از طریق
دیپلماسی برای
جلوگیری از تبعات
امنیت اجتماعی
مشکلات معیشتی

جریان انتشار روایت:
اصلاح طلبان

روشنگری درباره نقشه
دشمن برای بهره گیری
از نارضایتی معیشتی
برای ایجاد اعتراضات
خیابانی

جریان انتشار روایت:
اصولگرا. اصلاح طلب. روزمره نویس

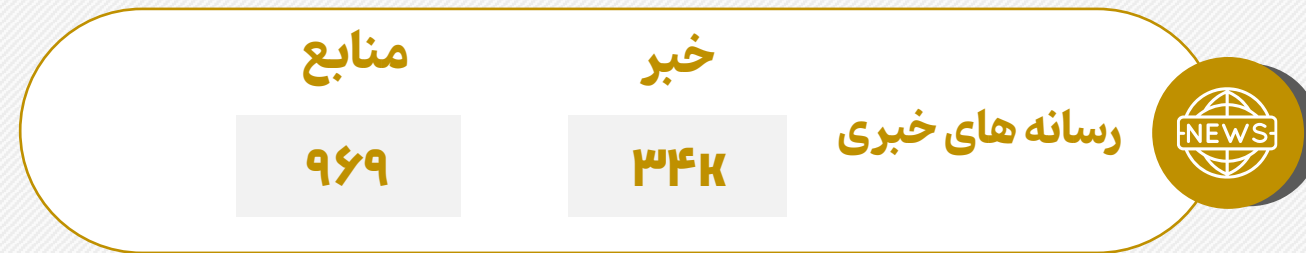
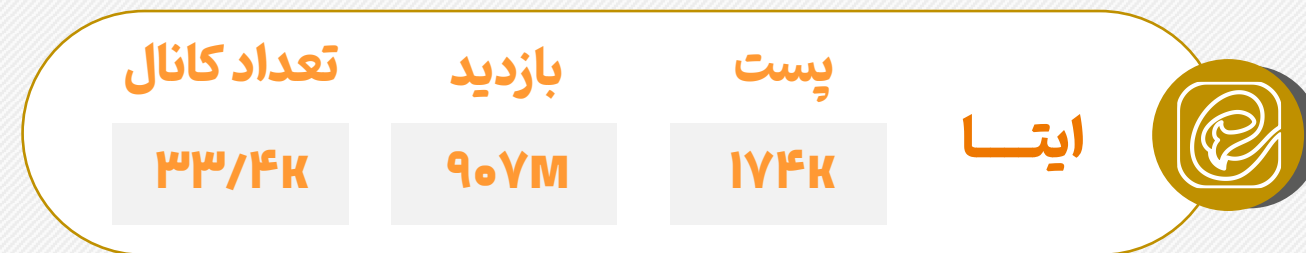
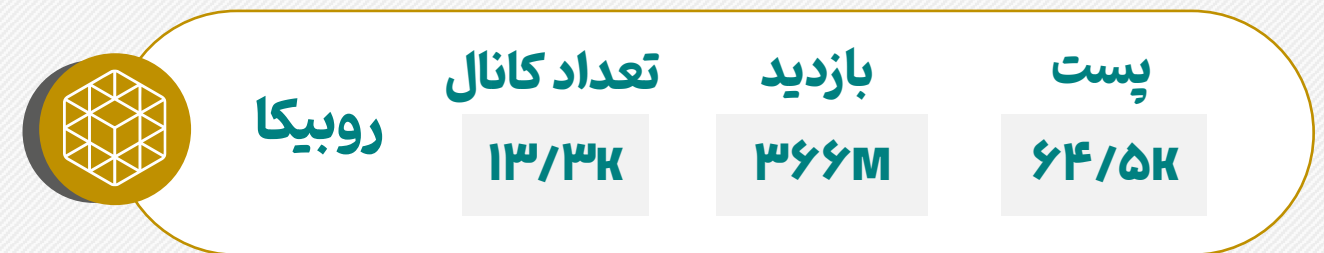
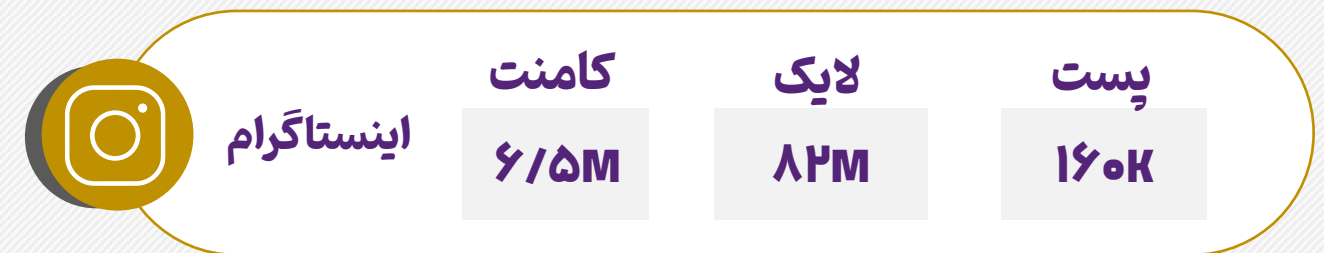
القای رها شدگی
معیشت مردم از
سوی مسئولان و
لزوم مبارزه خیابانی
با نظام

جریان انتشار روایت:
معاندین

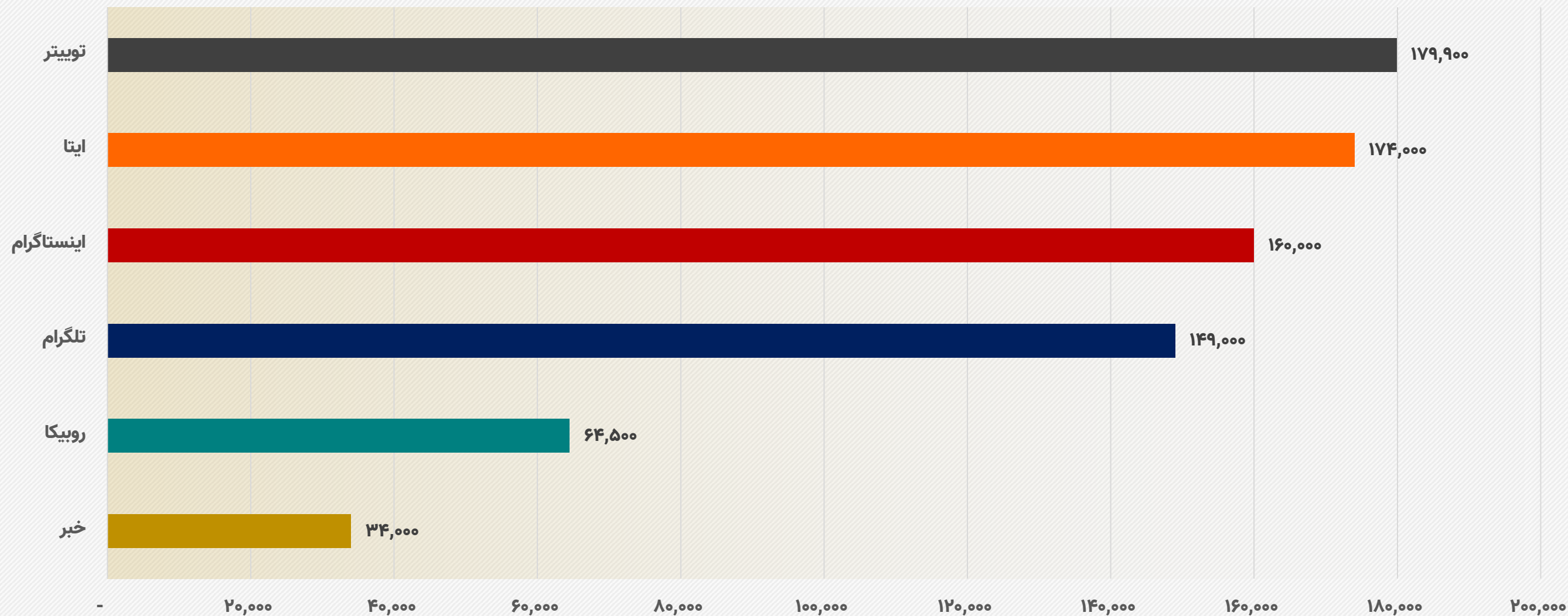
تحلیل داده‌های فضای مجازی



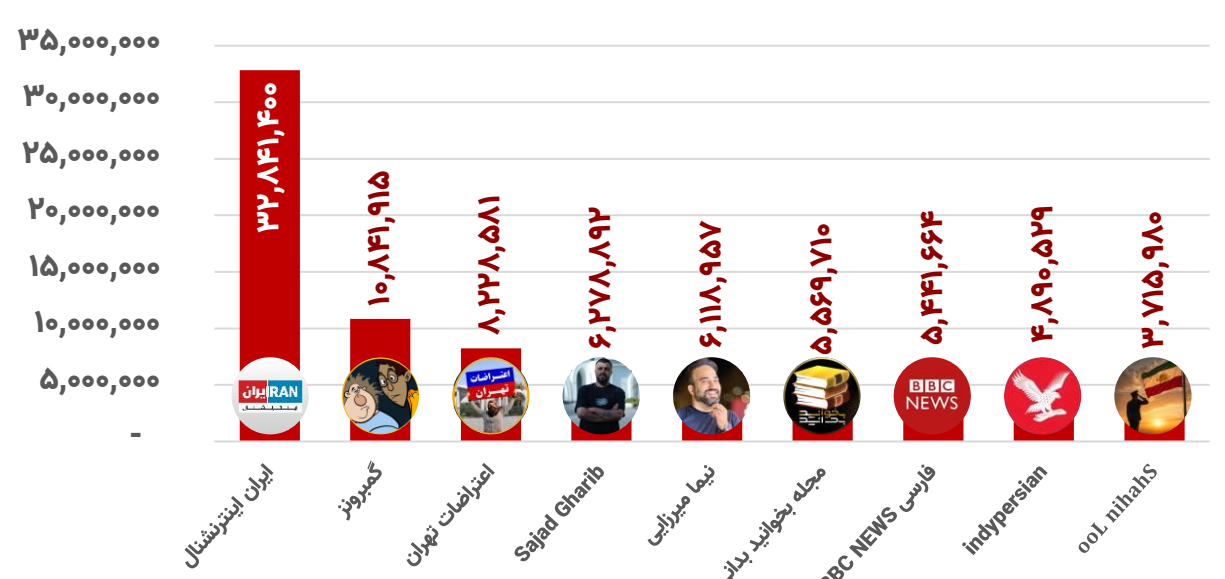
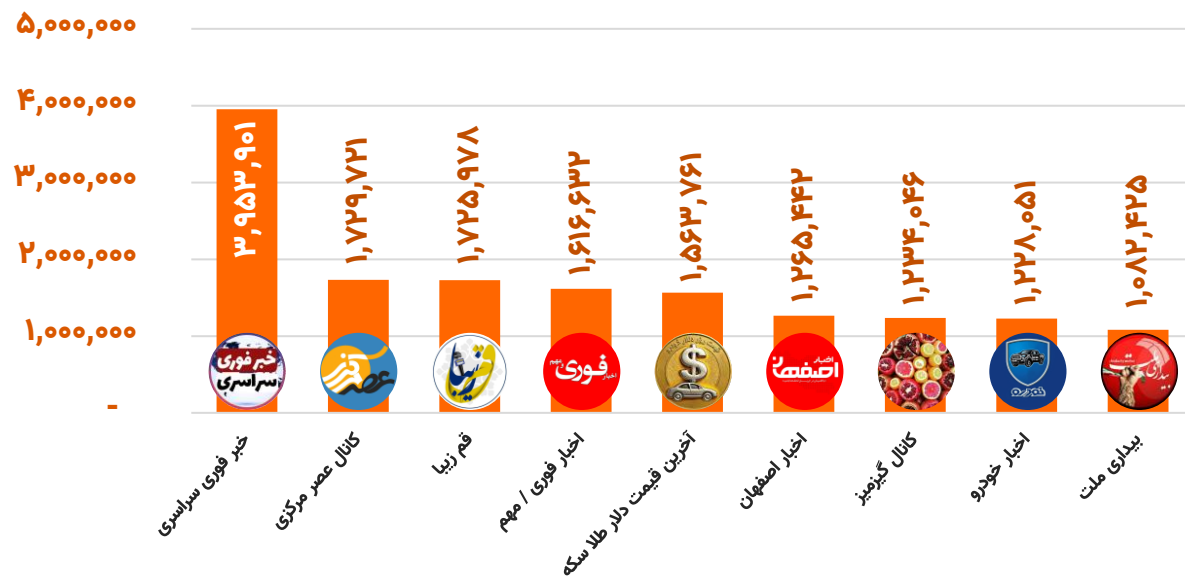
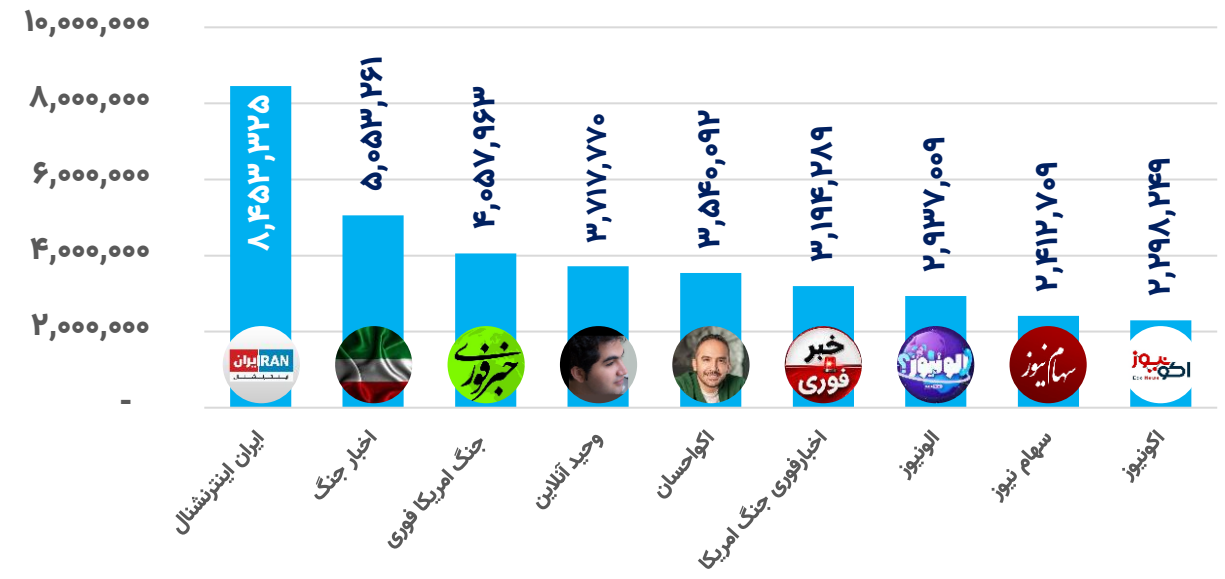
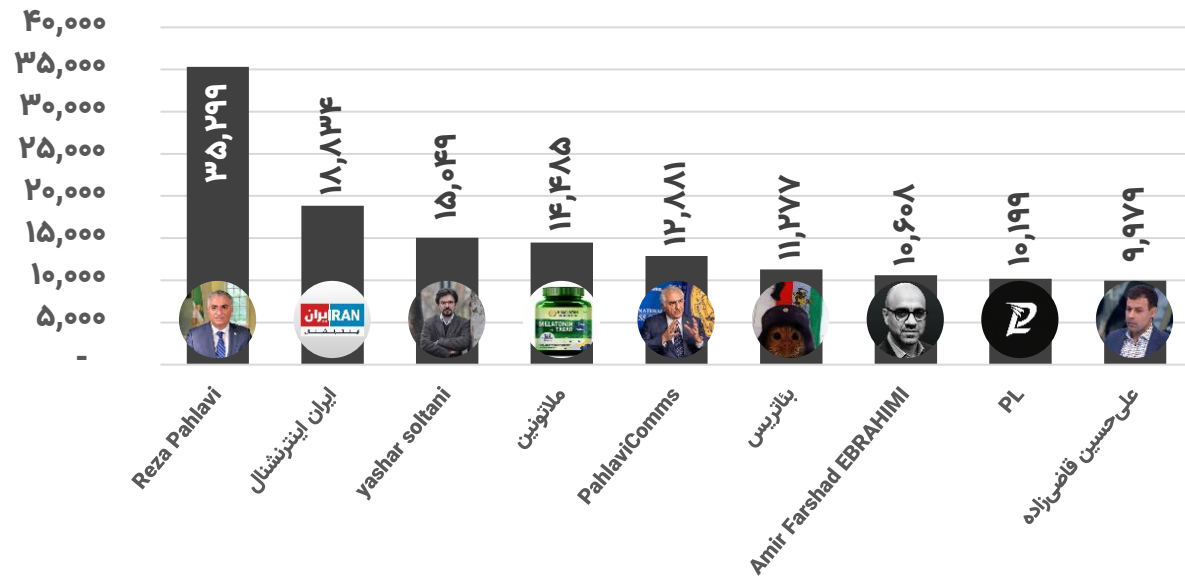
داده‌های فضای مجازی



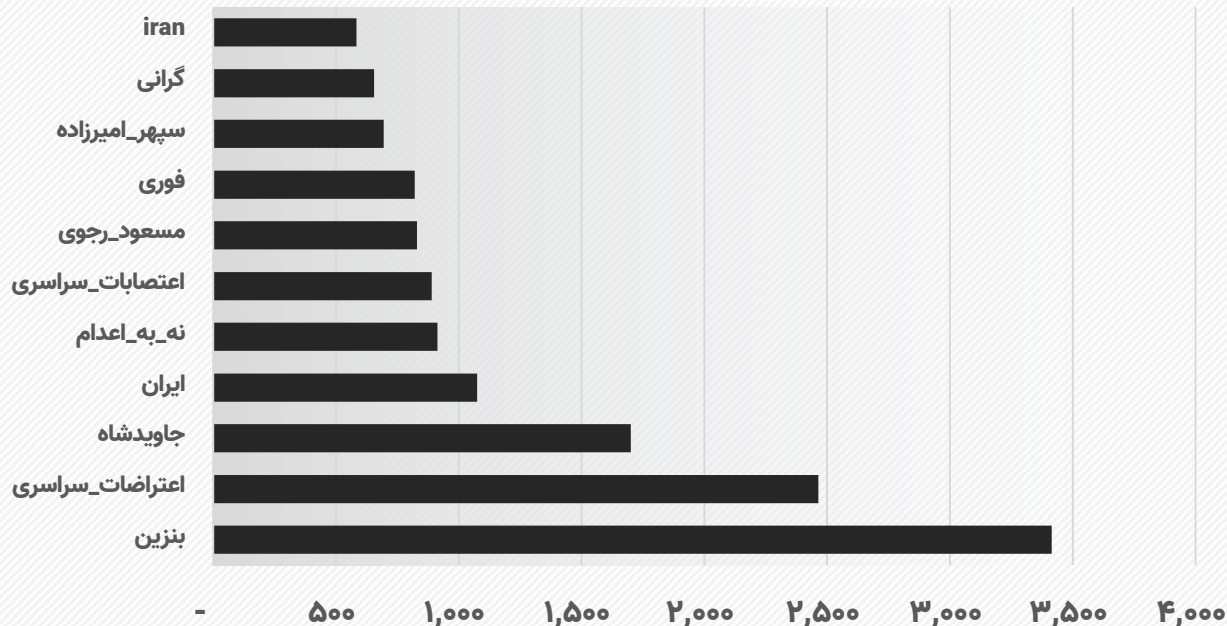
مقایسه میزان تولید محتوا بسترهای فضای مجازی



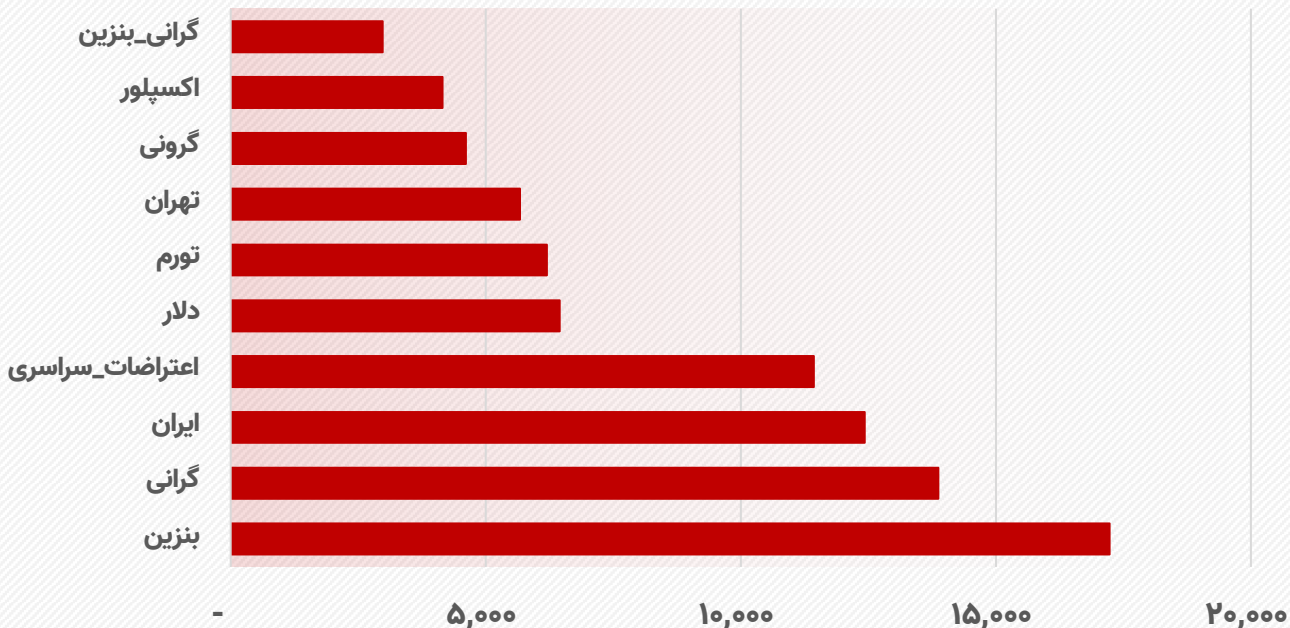
کاربران برتر بسترهای فضای مجازی (براساس بازدید و لایک)



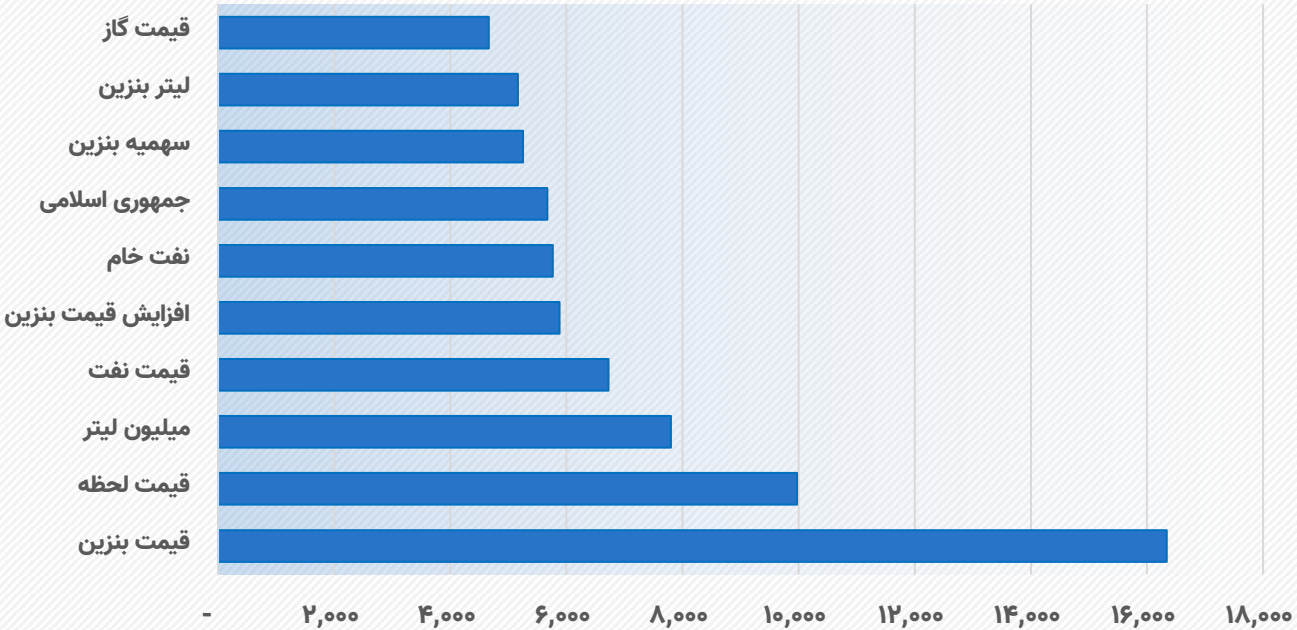
ابرواژه برتر نویسنده



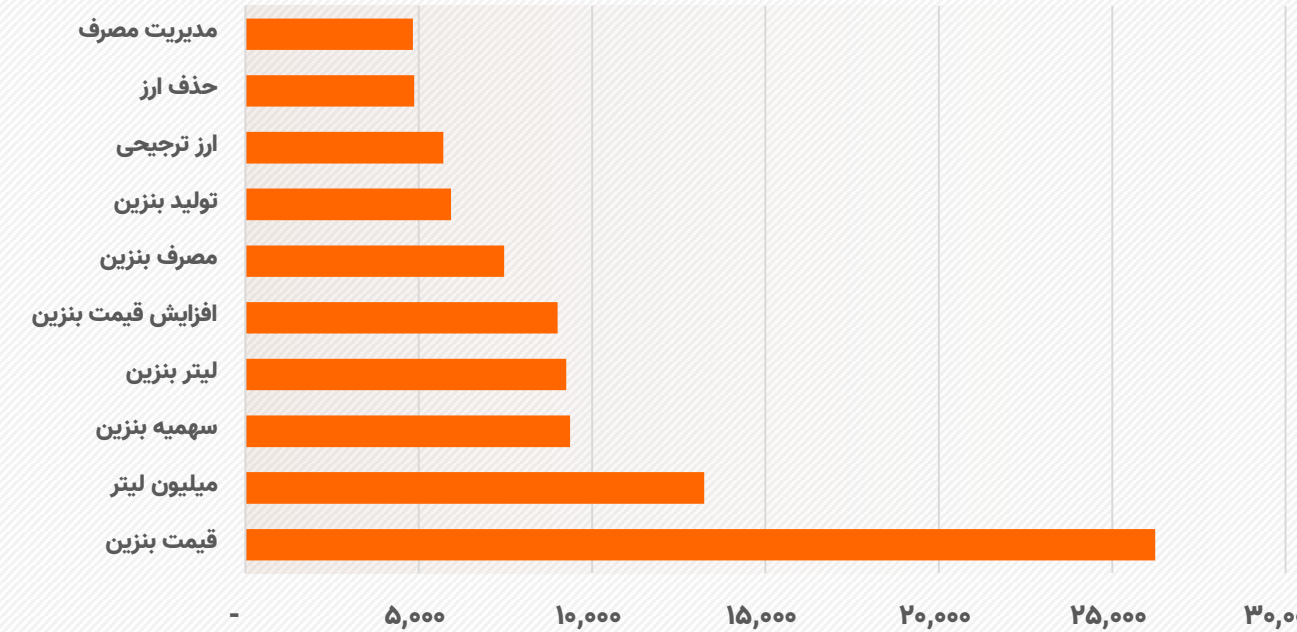
هشتگ های برتر اینستاگرام



ابرواژه برتر تلگرام



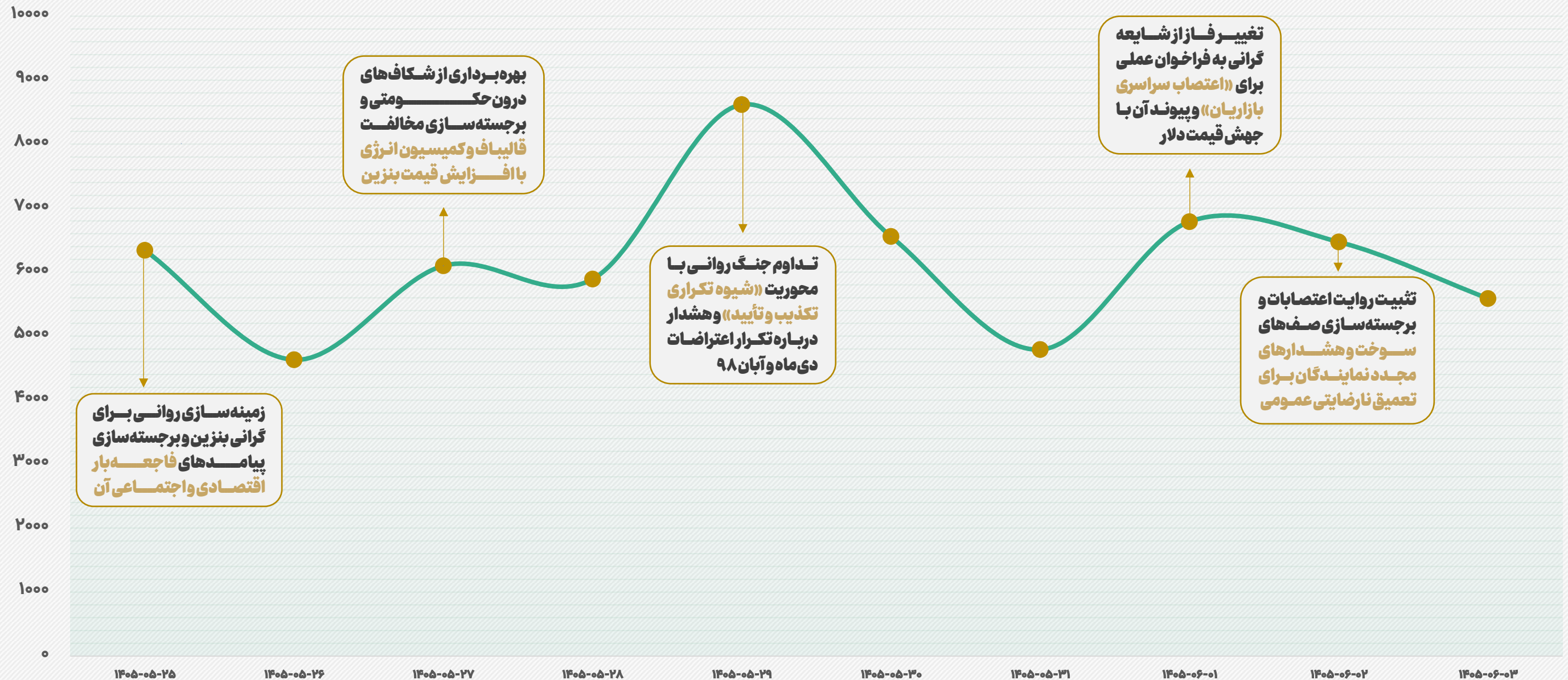
ابرواژه برتر ایتا



بررسی روند انتشار محتوا

بخش دوم

نمودار مقایسه نوسان روند انتشار محتوا در فضای مجازی



قله بیست و پنجم مردادماه ۱۴۰۵

در این روز، حجم قابل توجهی از محتوا در فضای مجازی حول محور **شایعات و هشدارها درباره افزایش قریب الوقوع قیمت بنزین** شکل گرفت. رسانه‌ها و کانال‌های معارض با بازنشر گسترده اظهارات منتسب به «سقایی اصفهانی» مبنی بر اینکه «بنزین لنگر اسمی تورم است و مردم انتظار گرانی همه چیز را دارند»، تلاش کردند تا **ترس از یک شوک اقتصادی بزرگ** را در افکار عمومی تزریق کنند. همچنین، کلیدواژه‌هایی مانند «**سونامی گرانی بنزین در دو هفته آینده**» و هشدارهایی مبنی بر اینکه افزایش قیمت بنزین منجر به «**آشوب داخلی و تحمیل جنگ خارجی**» می‌شود (با استناد به هشدارهای ابوترابی)، به وفور بازنشر شد. هدف اصلی این قله، **ایجاد فضای اضطراب و آماده‌سازی ذهنی مخاطبان** برای پذیرش این روایت بود که دولت قصد دارد کسری بودجه خود را از طریق غارت سفره مردم و با به خطر انداختن امنیت کشور جبران کند.

قله بیست و هفتم مردادماه ۱۴۰۵

در این تاریخ، محور اصلی محتوای معارض، **نمایش تضاد و بن‌بست در تصمیم‌گیری‌های حاکمیت** بود. با برجسته‌سازی شدید اظهارات قالیباف مبنی بر اینکه «**افزایش قیمت بنزین توسط دولت تدبیر حساب شده نیست**» و هشدار او درباره **احتمال بروز آشوب**، رسانه‌های معارض تلاش کردند **ناکارآمدی و ترس حکومت از واکنش مردم** را به تصویر بکشند. همزمان، اظهارات سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس مبنی بر «**عدم وجود برنامه فعلی برای افزایش قیمت و بررسی نرخ چهارم**»، نه به عنوان یک اطمینان‌بخشی، بلکه به عنوان **نشانه‌ای از سردرگمی و تعلیق خطرناک** تفسیر شد. در این قله، روایت غالب این بود که حتی نهادهای داخلی نظام نیز از پیامدهای انفجاری گرانی بنزین هراس دارند، اما حکومت همچنان بر طبل گرانی می‌کوبد.

قله بیست و نهم مرداد ماه ۱۴۰۵

در این روز، رسانه‌های معارض بر روی چرخه معیوب «شایعه‌سازی، تکذیب و تأیید ضمنی» توسط مقامات حکومتی تمرکز کردند. باز نشر گسترده هشدارهای رسانه‌های حکومتی (مانند جماران نیوز و تابناک) درباره اینکه افزایش قیمت بنزین می‌تواند منجر به «تکرار اعتراضات آبان ۹۸ یا دی‌ماه ۱۴۰۴» و «خشم و اعتراضات خونین» شود، دستمایه اصلی تحلیل‌ها قرار گرفت. همچنین هشدارهای نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس (ظهوریان) درباره اضافه شدن ۶ تا ۸ میلیون تومان هزینه به دهک‌های فقیر، به‌طور گسترده منتشر شد. هدف این قله، تبدیل کردن ادعای ترس پنهان حکومت به یک ابزار فشار روانی بود تا به مخاطبان القا شود که نظام در بن‌بست کامل قرار دارد و هر تصمیمی می‌تواند جرقه‌ای برای یک انفجار اجتماعی باشد.

قله یکم شهریور ماه ۱۴۰۵

این قله، نقطه عطفی در استراتژی محتوایی بود که در آن نگرانی از گرانی بنزین به‌طور مستقیم به فراخوان برای اقدام عملی (اعتصاب) گره خورد. با توجه به جهش قیمت دلار، کانال‌ها و حساب‌های کاربری معارض شروع به انتشار گسترده «فراخوان اعتصاب بازاریان تهران و سایر شهرها در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه (۳ و ۴ شهریور)» کردند. در کنار این فراخوان، توییت ویرال شده «علی قلهکی» مبنی بر «موکول شدن افزایش قیمت بنزین به سال آینده اما تغییر در میزان سهمیه بنزین هر ایرانی»، به‌عنوان تاییدی بر فشار اقتصادی بیشتر باز نشر شد. روایت غالب در این قله این بود که «اکنون زمان اقدام است»، و بازاریان به‌عنوان پیشران اعتراضات (مانند دی‌ماه) فراخوانده شدند تا با بستن مغازه‌ها، ضربه اقتصادی به نظام را تسریع کنند.

قله دوم شهریورماه ۱۴۰۵

در روز منتهی به فراخوان اعتصاب منتشر شده، حجم محتوا بر روی «تایید و تقویت» جو اعتصاب متمرکز شد. گزارش‌های میدانی از «صف‌های طولانی پمپ‌بنزین‌ها در شهرهای مختلف به دلیل ترس از گرانی و کمبود سوخت» به‌طور گسترده بازنشر شد تا حس کمبود مصنوعی و وحشت عمومی را تقویت کند. همزمان، مخالفت‌های صریح نمایندگان مجلس (مانند لاهوتی و رفیعی) با افزایش قیمت بنزین به دلیل «فشار تورمی و عدم تحمل مردم»، به‌عنوان سندی بر حقانیت اعتراضات و اعتصابات مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در این قله، رسانه‌های معارض تلاش کردند با ترکیب «تصاویر صف‌های بنزین»، «فراخوان‌های اعتصاب بازار» و «تایید ضمنی ناکارآمدی توسط نمایندگان مجلس»، فضایی را ایجاد کنند که در آن مشارکت در اعتصابات سراسری، تنها راه نجات از فروپاشی قریب‌الوقوص معیشتی به نظر برسد.

بخش سوم



تحلیل احساسات

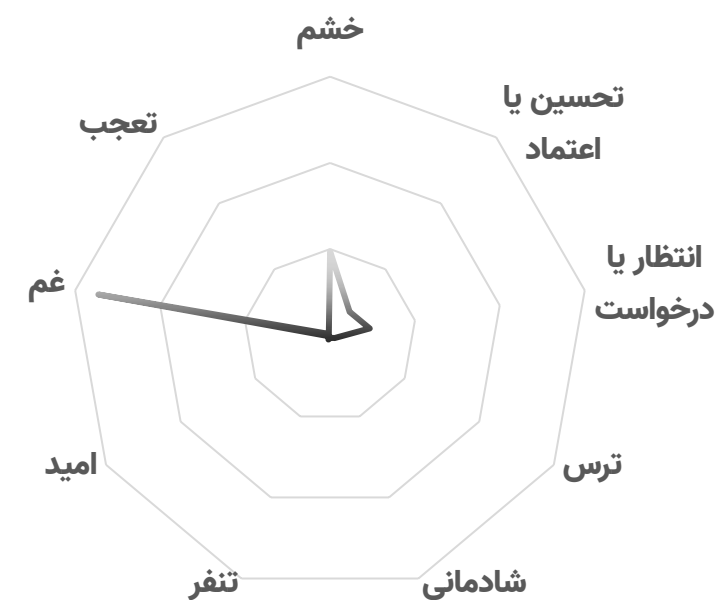
(احساسات شکل گرفته در افکار عمومی)

مقایسه احساسات



شکل گرفته در افکار عمومی

نمودار رادار احساسات



آنچه در این بازه در فضای مجازی دیده می‌شود، نه یک جامعه یکدست در آستانه اعتصاب سراسری، بلکه **جامعه‌ای تحت فشار است** که میان نگرانی از آینده، خشم از فشارهای اقتصادی و انتظار برای تغییر شرایط در نوسان قرار دارد. نقطه مهم در این دوره آن است که **جریان‌های معارض تلاش کرده‌اند از همین احساسات موجود برای ساختن یک کنش سیاسی فراگیر استفاده کنند**؛ یعنی نارضایتی‌هایی که منشاهای متفاوت دارند، در یک روایت واحد کنار هم قرار گیرند و از «گرانی و فشار معیشتی» به «اعتصاب سراسری و اعتراض سیاسی» برسند. ترکیب داده‌های احساس سنجی نیز این وضعیت را تایید می‌کند. **غم، خشم و انتظار یا درخواست، سه احساس غالب بوده‌اند** و پس از آن تحسین و اعتماد قرار دارد. بنابراین، موتور اصلی فضای احساسی این دوره را نباید صرفاً فراخوان‌های اعتراضی دانست. **فشار اقتصادی و نااطمینانی بستر اصلی را ساخته** و فراخوان‌های رسانه‌های معارض تلاش کرده‌اند بر این بستر سوار شوند و جهت آن را به سمت کنش سیاسی تغییر دهند. از منظر رصدی، نکته تعیین‌کننده این است که **شدت نارضایتی با میزان آمادگی برای مشارکت در اعتراض یکسان نیست**. بخش قابل توجهی از کاربران نسبت به وضعیت اقتصادی انتقاد دارند، اما میان «اعتراض به شرایط» و «پذیرش فراخوان جریان‌های معارض» فاصله وجود دارد. همین فاصله، مهم‌ترین نقطه رقابت روایتی در این بازه بوده است.

غم با اختلاف محسوسی بالاتر از سایر احساسات قرار دارد. منشا اصلی آن، یک خبر یا یک فراخوان مشخص نیست؛ بلکه انباشت چند فشار همزمان است: جهش نرخ ارز، بی‌ثباتی قیمت کالاها، کاهش قدرت خرید، نگرانی کسبه از امکان قیمت‌گذاری، اخبار مربوط به بنزین، دشواری‌های ناشی از شرایط جنگی و نگرانی درباره ادامه فشارهای خارجی. در فضای کاربران، افزایش نرخ دلار صرفاً به عنوان تغییر قیمت یک دارایی مطرح نشده؛ بلکه به شاخصی برای پیش‌بینی قیمت کالا و هزینه زندگی تبدیل شده است. وقتی کسبه از ناتوانی در قیمت‌گذاری، مصرف‌کننده از کاهش قدرت خرید و خانوار از آینده هزینه‌های روزمره صحبت می‌کند، متغیر تهییج‌کننده از «گرانی» به احساس بی‌ثباتی و ناتوانی در برنامه‌ریزی برای آینده تغییر می‌کند. موضوع تنگه هرمز و دشوار شدن تردهای دریایی نیز در همین چارچوب اهمیت پیدا کرده است. برای کاربر، اختلال در تردد دریایی فقط یک خبر نظامی یا ژئوپلیتیک نیست؛ بلکه می‌تواند با تامین کالا، صادرات، درآمد ارزی و قیمت‌های داخلی پیوند بخورد. بنابراین، شرایط جنگی در بخشی از محتوا به عنوان عاملی برای تشدید نااطمینانی اقتصادی بازتاب پیدا کرده است. متغیر تهییج‌کننده غم در این دوره، بیش از هر چیز «نااطمینانی» است؛ این تصور که وضعیت فعلی ممکن است ادامه پیدا کند و فشار امروز، هزینه بیشتری در روزهای بعد ایجاد کند. جریان‌های معارض دقیقاً از همین نقطه وارد شده‌اند. بخشی از محتوای آن‌ها تلاش می‌کند افزایش قیمت ارز، فشار معیشتی و مشکلات اقتصادی را از مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی جدا کرده و در قالب روایت‌هایی مانند «بن‌بست اقتصادی» یا «فروپاشی قریب‌الوقوع» بازتعریف کند. در اینجا نقش معارض بیشتر در تفسیر و جهت‌دهی به احساس موجود دیده می‌شود تا ایجاد اصل نارضایتی.

خشم دومین احساس غالب در این بازه است و مهم‌ترین محرک‌های آن افزایش نرخ ارز، نگرانی از قیمت و سهمیه بنزین، بی‌ثباتی بازار، فشار هزینه‌های خانوار و دشواری فعالیت کسبه است. در این میان، بنزین به دلیل سابقه اعتراضات گذشته، یک متغیر حساس و بالقوه تهییج‌کننده محسوب می‌شود؛ چراکه تغییر قیمت یا سهمیه می‌تواند مستقیماً به نگرانی درباره افزایش هزینه حمل‌ونقل، کالا و خدمات منجر شود. همزمان، جریان‌های معارض تلاش کرده‌اند این خشم اقتصادی را به اعتصاب و کنش سازمان‌یافته تبدیل کنند. حساب‌ها و کانال‌های حامی رضا پهلوی با برجسته‌سازی تعطیلی بازار و دعوت از اصناف و گروه‌های مختلف، بر فراگیر کردن این فراخوان‌ها تمرکز داشته‌اند. فراخوان مشخص برای تعطیلی بازار در سوم و چهارم شهریور نیز نسبت به دعوت‌های کلی، ظرفیت بیشتری برای بازتولید و تهییج ایجاد کرده است. با این حال، رصد واکنش کاربران نشان می‌دهد نارضایتی اقتصادی لزوماً به معنای پذیرش روایت سیاسی فراخوان‌ها نیست و بخشی از کاربران نسبت به میزان همراهی بازار و اهداف سیاسی این جریان‌ها تردید دارند. بنابراین، خشم اقتصادی قابل توجه است، اما تبدیل آن به اعتراض سراسری همچنان قطعی نیست.

سومین احساس غالب، انتظار یا درخواست است. اهمیت این شاخص در آن است که نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از کاربران صرفاً در حال ابراز ناراحتی نیستند؛ بلکه منتظر اقدام، پاسخ یا تغییر شرایط هستند. این انتظار چند لایه دارد. یک لایه اقتصادی است: کنترل بازار ارز، کاهش بی‌ثباتی قیمت‌ها، روشن شدن وضعیت بنزین و جلوگیری از افزایش فشار بر خانوار و کسبه. لایه دوم به شرایط جنگی مربوط می‌شود. تشدید فشار خارجی و دشوار شدن تردهای تجاری در تنگه هرمز، انتظار برای مدیریت آثار اقتصادی جنگ را بالا برده است. در چنین شرایطی، کاربران بیش از گذشته نسبت به تصمیمات اقتصادی حساس می‌شوند و هر خبر درباره ارز، سوخت، کالا یا تجارت می‌تواند موج تازه‌ای از مطالبه ایجاد کند. لایه سوم، سیاسی‌تر است و همان جایی است که رسانه‌های معارض تلاش کرده‌اند وارد شوند. آن‌ها کوشش کرده‌اند «انتظار برای تغییر» را به «انتظار برای اعتصاب» تبدیل کنند؛ یعنی به جای آنکه مطالبه صرفاً متوجه بهبود شرایط اقتصادی باشد، یک کنش مشخص و زمان‌بندی‌شده به آن پیشنهاد شود. نمونه روشن آن، تبدیل فراخوان‌های پراکنده به دعوت‌های مشخص برای تعطیلی بازار و پیوستن اصناف مختلف است. اما یک متغیر بازدارنده نیز وجود دارد: تردید نسبت به اعتبار فراخوان‌ها. هشدار درباره فراخوان‌های جعلی، احتمال بزرگ‌نمایی میزان مشارکت و اختلاف روایت‌ها درباره وضعیت واقعی بازار باعث شده بخشی از کاربران پیش از پذیرش فراخوان، به دنبال نشانه میدانی باشند. در نتیجه، انتظار هنوز در بخش قابل توجهی از جامعه به «مشاهده و ارزیابی» محدود مانده است.

سایر احساسات

تحسین یا اعتماد چهارمین شاخص مهم است و از نظر رصدی نباید نادیده گرفته شود. وجود این میزان اعتماد در کنار غم و خشم بالا نشان می‌دهد فضای مجازی یکدست نیست. بخشی از کاربران ضمن پذیرش مشکلات اقتصادی، با تبدیل اعتراض اقتصادی به پروژه سیاسی جریان‌های معارض همراه نیستند و بر ضرورت حفظ ثبات در شرایط جنگی تاکید دارند. این بخش از جامعه الزاما همه سیاست‌های اقتصادی یا عملکرد مسئولان را تایید نمی‌کند. در برخی واکنش‌ها، اعتماد مشروط دیده می‌شود؛ یعنی کاربر از وضعیت اقتصادی ناراضی است اما راه حل را در اعتصاب یا همراهی با رسانه‌های معارض نمی‌بیند. همین موضوع باعث می‌شود تحلیل فضای افکار عمومی صرفا بر اساس حجم محتوای اعتراضی در ایکس یا کانال‌های اپوزیسیون در تلگرام، تصویر دقیقی از جامعه ارائه نکند. ترس در سطح پایینی قرار دارد، اما محرک‌های آن قابل توجه‌اند: نگرانی از تشدید جنگ، اختلال اقتصادی، کمبود سوخت، افزایش قیمت‌ها و احتمال گسترش ناآرامی از محرک‌های آن به شمار می‌آیند. تنفر بیشتر ماهیت هدف‌دار دارد و در واکنش به برخی چهره‌ها، جریان‌ها یا روایت‌هایی دیده می‌شود که کاربران آن‌ها را عامل تشدید بحران یا بهره‌برداری سیاسی از شرایط کشور می‌دانند. تعجب هم بیشتر واکنش به اخبار غیرمنتظره، جهش‌های اقتصادی و برخی ادعاهای رسانه‌ای است. شادمانی و به‌ویژه امید در این بازه در پایین‌ترین سطوح قرار دارند. پایین بودن امید در کنار غم بالا، نشان‌دهنده فضای احساسی سنگینی است که در آن حتی بخشی از کاربران ناراضی نیز چشم‌انداز کوتاه‌مدت روشنی برای بهبود شرایط نمی‌بینند. این وضعیت از منظر رسانه‌ای اهمیت دارد؛ زیرا جامعه‌ای که امید پایین و خشم بالا دارد، نسبت به محرک‌های جدید حساس‌تر می‌شود.

سناریوی محتمل افکار عمومی

در صورت تداوم جهش نرخ ارز، تشدید نگرانی درباره بنزین، استمرار فشارهای معیشتی یا ایجاد اختلال بیشتر در تجارت و تردهای دریایی، احتمال افزایش غم و خشم و سپس تقویت انتظار و مطالبه وجود دارد. در چنین شرایطی، رسانه‌های معارض احتمالا تلاش خواهند کرد هر محرک اقتصادی جدید را به فراخوانی تازه برای تعطیلی بازار و اعتصاب پیوند بزنند و از تجمعات صنفی پراکنده برای ساختن تصویر یک «موج سراسری» استفاده کنند. با این حال، تحقق اعتصاب فراگیر به یک حلقه واسط نیاز دارد: اعتماد میان گروه‌های اجتماعی و اطمینان از واقعی بودن مشارکت دیگران. اگر این اعتماد شکل نگیرد و فراخوان‌ها عمدتا در سطح تکرار آنلاین باقی بمانند، شکاف میان حجم عملیات رسانه‌ای و رفتار واقعی جامعه افزایش خواهد یافت. در مقابل، اگر یک محرک اقتصادی جدید با تجربه مستقیم و همزمان بخش‌های گسترده‌ای از جامعه همراه شود و فراخوان‌ها بتوانند نشانه‌های میدانی معتبر ایجاد کنند، ظرفیت تبدیل خشم به کنش افزایش خواهد یافت.

جریان شناسی

بخش چهارم

تلاش برای تبدیل فشار اقتصادی و معیشتی به موتور محرک اعتراض و اعتصاب سراسری

جریان سیاسی	ریز مسئله	رویکرد	مشارکت
اصولگرا	۱. برجسته‌سازی همزمانی گرانی، افزایش نرخ دلار، فشار معیشتی و مسئله بنزین با موج فراخوان‌های «اعتصابات سراسری» برای نشان دادن تلاش جریان‌های معارض جهت تبدیل نارضایتی اقتصادی به اعتراض سیاسی تأکید بر اینکه در بخش قابل توجهی از محتواها، مشکلات اقتصادی مستقیماً به فراخوان خیابانی و اعتصاب پیوند زده می‌شود؛ از جمله دعوت به استفاده از قیمت دلار، بنزین و هزینه‌های زندگی برای تحریک جامعه ۳. تأکید بر اینکه بخشی از این محتواها با طرح ادعاهایی مانند «فرصت بی‌نظیر» یا «جرقه نزدیک است» تلاش می‌کنند شرایط اقتصادی موجود را به نقطه آغاز اعتراض سراسری تبدیل کنند	انتقادی	۵۵%
اصلاح طلب	۱. برجسته‌سازی فشار اقتصادی، کاهش قدرت خرید و نگرانی از افزایش قیمت بنزین به عنوان زمینه‌های شکل‌گیری نارضایتی اجتماعی ۲. تأکید بر اینکه تداوم مشکلات معیشتی می‌تواند اعتراض‌های صنفی و اقتصادی را افزایش دهد، بدون آنکه الزاماً همه این اعتراض‌ها ماهیت سیاسی یا سراسری داشته باشند ۳. برجسته‌سازی افزایش نرخ دلار و نگرانی از آثار آن بر قیمت کالاها به عنوان یکی از محورهای اصلی نارضایتی اقتصادی	انتقادی	۲۰%
معاند	۱. تلاش برای تبدیل هر افزایش قیمت و مشکل معیشتی به فراخوان مستقیم برای اعتصاب؛ از (دلار ۲۰۰ هزار تومانی) و بنزین تا گرانی خودرو و هزینه‌های روزمره خطاب قرار دادن مستقیم رضا پهلوی و گروه‌های مخالف برای صدور فراخوان و همراه کردن اصناف و اقشار مختلف با اعتصابات ۳. استفاده پرتکرار از هشتگ « #اعتصابات-سراسری » و درخواست از مردم برای پیوستن به اعتصاب بازار، اعتراضات و نافرمانی مدنی	تخریبی	۲۵%

تلاش برای فعال سازی هم زمان بازار و بخش حمل و نقل به عنوان دواهرم اصلی فشار اقتصادی

جریان سیاسی	ریز مسئله	رویکرد	مشارکت
اصولگرا	۱. برجسته سازی تمرکز فراخوان های معارض بر دو گروه بازاریان و کامیون داران به دلیل نقش مستقیم آنها در گردش کالا و فعالیت اقتصادی کشور تأکید بر دعوت های صریح برای تعطیلی مغازه ها، اعتصاب بازار و همراه کردن کامیون داران با اعتراضات به عنوان تلاش برای ایجاد اختلال در چرخه توزیع کالا ۳. تفکیک میان فراخوان های منتشر شده و تحقق واقعی آنها؛ برای نمونه، درباره ادعای اعتصاب بازار تهران، گزارش های منتشر شده در فضای مجازی به تنهایی برای اثبات وقوع یک اعتصاب فراگیر کافی نیستند	انتقادی	۵۰%
اصلاح طلب	۱. تأکید بر اینکه فشار بر بازار و حمل و نقل در صورت تداوم می تواند به کاهش عرضه، افزایش هزینه توزیع و فشار بیشتر بر مصرف کننده منجر شود پرهیز نسبی از تبدیل مستقیم مطالبات صنفی به پروژه «اعتصاب سراسری» و تمرکز بیشتر بر ریشه های اقتصادی نارضایتی ۳. توجه به مشکلات واقعی کسبه و فعالان حمل و نقل، به ویژه نوسان شدید ارز، کاهش قدرت خرید، هزینه سوخت و دشواری ادامه فعالیت اقتصادی	انتقادی	۱۵%
معاند	۱. طرح ایده هایی مانند «عدم پرداخت مالیات»، «عدم پرداخت قبوض»، «کشیدن پول نقد از بانک ها» و «بایکوت خرید» در کنار اعتصاب بازار و کامیون داران برای ایجاد فشار همزمان در چند بخش اقتصادی تمرکز ویژه بر بازار تهران و تلاش برای القای اینکه اعتصاب کسبه می تواند نقطه شروع اعتراضات گسترده تر باشد ۳. تلاش برای تحریک کامیون داران از مسیر موضوعاتی مانند صف های سوخت، کمبود گازوئیل و مشکلات معیشتی و تبدیل این مسائل به مطالبه اعتصاب	تخریبی	۳۵%

تلاش برای ایجاد پیوند میان اعتراضات داخلی و فشار خارجی با هدف القای «فرصت فروپاشی»

جریان سیاسی

اصولگرا

اصلاح طلب

معاند

ریز مسئله

۱. برجسته سازی پیوند مستقیم میان تشدید فشار اقتصادی آمریکا و فراخوان های داخلی برای اعتصاب به عنوان بخشی از یک روایت هماهنگ علیه جمهوری اسلامی
۲. تأکید بر اینکه در بخشی از محتواهای معارض، تحریم و فشار خارجی نه صرفاً به عنوان عامل اقتصادی، بلکه به عنوان «فرصت» برای آغاز اعتراض داخلی معرفی می شود
۳. برجسته سازی استفاده از اظهارات ترامپ درباره وضعیت اقتصادی ایران برای تقویت این روایت که فشار خارجی باید با اعتراض داخلی تکمیل شود

۱. تأکید بر اینکه تداوم فشار خارجی و بی ثباتی اقتصادی، ظرفیت اعتراض های صنفی و اجتماعی را افزایش می دهد
۲. توجه به فاصله میان نارضایتی واقعی اقتصادی و روایت هایی که تلاش دارند این نارضایتی را مستقیماً به پروژه تغییر سیاسی و فروپاشی پیوند بزنند
۳. برجسته سازی این نگرانی که همزمانی فشار خارجی، کاهش ارزش پول ملی و مشکلات معیشتی می تواند نارضایتی اجتماعی را تشدید کند

۱. تکرار گزاره هایی مانند «فشار خارجی همراه با فشار داخلی می تواند هرچه سریع تر رژیم را به فروپاشی برساند» و تلاش برای ایجاد انتظار از وقوع چنین سناریویی
۲. صریح ترین محور این جریان، معرفی همزمان فشار اقتصادی آمریکا و اعتراض داخلی به عنوان یک «فرصت» برای ضربه نهایی به جمهوری اسلامی است
۳. استفاده از ادبیات «آخرین فرصت»، «جرقه»، «موقعیت انقلابی» و «یک پله نزدیک تر شدن به سقوط» برای تبدیل مشکلات اقتصادی به روایت نزدیک بودن فروپاشی

رویکرد

انتقادی

انتقادی

تخریبی

مشارکت

۵۵%

۱۵%

۳۰%

تحليل شایعات و اخبار جعلی

بخش پنجم

شایعه

**اعتصاب سراسری رانندگان
اسنپ از تاریخ یکم شهریور**

**امنیتی شدن سراسری کشور و
استقرار نیروها برای مقابله با
اعتراضات احتمالی**

**صدور فراخوان‌های فیک از
سوی حاکمیت برای
بی اعتبارسازی فراخوان‌های
اعتراضی**

توضیحات

در پی انتشار پستی در شبکه اجتماعی اینستاگرام، برخی فراخوان‌های نامشخص مدعی شدند رانندگان اسنپ از تاریخ یکم شهریور دست از کار کشیده و اقدام به اعتصاب سراسری خواهند کرد. این در حالی است که بررسی‌های میدانی و فعالیت کاربران در سامانه نشان می‌دهد ناوگان حمل‌ونقل اینترنتی در تاریخ مذکور و روزهای پس از آن، بدون هیچ‌گونه خللی به ناوگان خدمت‌رسانی و جابه‌جایی مسافران ادامه داده است. شایعه‌سازان با تکنیک فراخوان‌سازی خیالی، تلاش می‌کنند توقف‌های جزئی یا مطالبات صنف تاکسی‌های اینترنتی را به اعتراضات سازمان‌یافته تعبیر کرده و از این طریق فضای عمومی را ملتهب نشان دهند

در ساعات گذشته روایتی در فضای مجازی منتشرشده که مدعی است سراسر کشور، به‌ویژه مشهد و زاهدان، در وضعیت آماده‌باش امنیتی قرار گرفته و نیروهای انتظامی برای مقابله فوری با اعتراضات احتمالی مستقر شده‌اند؛ هم‌زمان، کاهش کیفیت اینترنت نیز به‌عنوان بخشی از همین سناریو معرفی می‌شود. اما آنچه این روایت را رد می‌کند، نبود هرگونه سند رسمی یا گزارش مستقلى است که بتواند این سه نشانه پراکنده را به یکدیگر پیوند بزند. حضور نیروهای انتظامی در معابر، پدیده‌ای روتین در مدیریت امنیت شهری است و اختلالات اینترنتی نیز می‌تواند معلول عوامل فنی یا زیرساختی باشد؛ بنابراین، نتیجه‌گیری از این اجزای نامرتب برای اثبات یک طرح ازپیش طراحی‌شده ملی، فاقد پشتوانه استدلالی است. استفاده از تعبیری مانند "در سراسر کشور" یا "فوراً سرکوب کنند" نیز سطح قطعیت ادعا را به‌شکل مصنوعی بالا می‌برد، بی‌آنکه شاهی برای این تعمیم ارائه شده باشد

برخی حساب‌های مخالف حکومت مدعی شده‌اند فراخوان‌های جعلی با هدف بی‌اعتبار کردن فراخوان‌های اصلی و شناسایی و سرکوب معترضان منتشر می‌شود و حتی «آمادگی حکومت برای اعتراضات» را نشانه برنامه‌ریزی برای آغاز آن دانسته‌اند؛ با این حال، برای انتساب این فراخوان‌ها به نهادهای حکومتی و اثبات وجود طرح سازمان‌یافته برای تله‌گذاری یا قلع‌وقمع مخالفان، سند مستقل و قابل اتکایی ارائه نشده است. صرف انتشار یک فراخوان ناشناس یا مشاهده آمادگی نیروهای انتظامی و امنیتی نیز به‌تنهایی نمی‌تواند وجود چنین سناریویی را اثبات کند

اهداف القای

القای اختلال در خدمات شهری،
القای نارضایتی عمومی و بی‌ثباتی
در **کسب‌وکارهای آنلاین**، و
**زمینه‌سازی برای کشاندن مطالبات
صنفی به اعتراضات گسترده**

وضعیت فوق‌العاده امنیتی در کل
کشور، ایجاد نگرانی عمومی از
سرکوب اعتراضات، بازنمایی
اختلالات اینترنتی به‌عنوان بخشی از
**طرح محدودسازی، تبدیل برخی
شهرها به کانون‌های اعتراضی و
تعمیم آن به کل کشور**

فریبکاری و مهندسی عامدانه
فضای اعتراضی از سوی حاکمیت،
نسبت‌دادن سناریوهای
سازمان‌یافته برای بی‌اعتبارسازی
مخالفان و سرکوب آنان، ایجاد
تصور کنترل پنهان و امنیتی بر
**فضای سیاسی و تضعیف اعتماد
عمومی نسبت به روایت‌های رسمی**

شایعه

**کودتای بنزینی و تلاش دولت
برای ایجاد نارضایتی**

**عاملیت استفاده اتباع از
سوخت و خدمات اجتماعی، در
گران شدن و کمبود بنزین**

**موافقت سران قوا با بنزین ۱۰
هزار تومانی و آغاز موج گرانی**

توضیحات

برخی جریان‌های رسانه‌ای با کنار هم گذاشتن مباحثی مانند قیمت بنزین، سهمیه‌بندی، قاچاق و ناترازی سوخت، مدعی شده‌اند دولت در قالب یک کودتای بنزینی به دنبال ایجاد نارضایتی و فشار بر مردم است؛ در حالیکه برای اثبات چنین هدف سیاسی یا امنیتی، هیچ سند مشخصی ارائه نشده و این موارد صرفاً اختلاف نظر درباره شیوه مدیریت ناترازی و اصلاح الگوی مصرف است. تبدیل یک مسئله سیاست‌گذاری به سناریوی کودتا بدون ارائه شواهد، مصداق امنیتی‌سازی و بزرگ‌نمایی یک موضوع اقتصادی است

جریان‌های رسانه‌ای معارض با تمرکز بر چالش‌های حضور مهاجران، طرح‌های غیرکارشناسی مانند دریافت هزینه‌های توریستی از اتباع را به عنوان راهکار جادویی جبران کسری بودجه سوخت برجسته می‌کنند. این در حالی است که علت اصلی ناترازی انرژی، شکاف ساختاری میان تولید و الگوی مصرف، فرسودگی ناوگان و قاچاق سازمان‌یافته است. حامیان این تحلیل با ضریب دادن به مطالبات ناممکن اقتصادی و تقلیل یک مسئله کلان ملی به موضوع اتباع، قصد دارند افکار عمومی را به سمت تقابل‌های اجتماعی سوق دهند. بازنمایی «حضور اتباع» به عنوان علت اصلی مشکلات معیشتی، شگردی جهت ایجاد دوقطبی در جامعه، تحریک عواطف عمومی و کانالیزه کردن نارضایتی‌ها به سمت اعتراضات خیابانی است

به دنبال انتشار ادعای موافقت سدان قوا با قیمت ده هزار تومانی بعنوان نرخ سوم بنزین، برهخی جریانات خبری از فضای ملتهب این روزهای کشور سواستفاده کرده و باد اهداف مشخص اقدام به انتشار اینگونه شایعاتی میکنند. اما واقعیت امر این است که بررسی مواضع منتشرشده، تصمیم قطعی و ابلاغ‌شده‌ای از سوی سران سه قوه را تأیید نمی‌کند. در گزارش‌های منتشرشده درباره نرخ سوم، از موافقت اولیه یا احتمال اجرای نرخ ۱۰ هزار تومانی صحبت شده، اما هم‌زمان تصریح شده که ابلاغیه رسمی و تصمیم نهایی برای اجرا منتشر نشده است. اظهارات اخیر محسنی‌اژه‌ای نیز نشان می‌دهد اصل ضرورت اصلاح وضعیت تولید، قیمت و مصرف بنزین مورد توجه است، اما درباره زمان و شیوه اجرای اصلاحات اختلاف نظر وجود دارد؛ بنابراین این اظهارات را نمی‌توان به معنای تصویب نرخ مشخص ۱۰ هزار تومانی تلقی کرد

اهداف القایی

وجود طرح پنهان برای ایجاد نارضایتی، بی‌اعتمادسازی نسبت به سیاست‌های بنزینی دولت، **تشدید گرانی عمومی از افزایش قیمت سوخت و تبدیل مسئله ناترازی انرژی به یک بحران سیاسی و امنیتی**

منحرف کردن اذهان عمومی از علل ریشه‌ای ناترازی انرژی، دامن زدن به نفرت‌پراکنی قومیتی و تحریک **نارضایتی‌های معیشتی جهت شکل‌دهی به اعتراضات و تقابل‌های اجتماعی**

قطعی‌شدن گرانی بنزین، ایجاد انتظار افزایش قیمت و موج تورمی، **تشدید گرانی معیشتی و نسبت‌دادن تصمیمی نهایی و هماهنگ به سران قوا برای زمینه سازی ایجاد آشوب و اعتراض**

شایعه

اعتصاب و بستن مغازه‌های بازار تهران در پی گرانی دلار

فراخوان بازار بزرگ برای اعتراض و اعتصاب سراسری

پیش‌بینی روزنامه‌های اصلاح طلب درباره نزدیک بودن اعتراضات سراسری در ایران

توضیحات

در ساعات گذشته، تصاویری مقطعی از حجره‌های خلوت بازار تهران در فضای مجازی با این ادعا که کسبه در اعتراض به صعود نرخ ارز دست از کار کشیده‌اند، دست‌به‌دست می‌شود اما مشاهدات و واقعیت میدانی نشان می‌دهد؛ دادوستد در راسته‌های اصلی بازار بدون وقفه‌های سازمان‌یافته ادامه دارد و بسته بودن برخی واحدها صرفاً ناشی از دلایل طبیعی نظیر انبارگردانی، مبادلات غیرحضوری یا تعطیلات فصلی است. جریان‌های رسانه‌ای معارض با تکنیک تعمیم رویدادهای جزئی، تلاش می‌کنند کندی‌های موقت در بازار را به عنوان جنبش اعتصابی بازنمایی کرده و نبض بازار ارز را ملتهب‌تر کنند

در پی انتشار برخی مطالب در فضای مجازی، ادعا شده است که بازار بزرگ به‌صورت رسمی فراخوانی برای اعتراض و اعتصاب سراسری صادر کرده است. بررسی منابع قابل دسترس، وجود یک فراخوان رسمی و قابل انتساب به مجموعه واحدی با عنوان بازار بزرگ را تأیید نمی‌کند. آنچه در جست‌وجوی منابع اخیر مشاهده می‌شود، عمدتاً بازنشر ادعاها و مطالب پراکنده در شبکه‌های اجتماعی است و برای انتساب یک فراخوان سراسری به کل بازار، سند مشخصی از سوی اتحادیه‌ها یا تشکل صنفی رسمی ارائه نشده است. بنابراین نمی‌توان از این شواهد، وجود تصمیم جمعی و فراگیر برای اعتصاب سراسری را نتیجه گرفت. از سوی دیگر، سابقه انتشار فراخوان‌های مشابه نشان می‌دهد وجود یک پیام یا فراخوان در فضای مجازی الزاماً به معنای تحقق اعتصاب یا همراهی گسترده اصناف نیست

در پی بازنشر بریده‌هایی از تحلیل‌های مطبوعات داخلی، برخی شبکه‌ها و رسانه‌های معارض مدعی شدند روزنامه‌های اصلاح طلب از وقوع قریب‌الوقوع موج تازه‌ای از اعتراضات و اعتصاب‌های سراسری خبر داده‌اند. این در حالی است که بررسی دقیق مقالات مورد اشاره نشان می‌دهد این جریانات رسانه‌ای با تقطیع، تحریف و خارج کردن عبارات از زمینه اصلی، هشدارهای کارشناسی و آسیب‌شناسانه درباره لزوم اصلاح فرآیندهای اقتصادی را به پیش‌بینی یا دعوت به اغتشاش تغییر داده‌اند. در واقع، مطبوعات روزمره‌نگار داخلی در مقام نقد سیاست‌های معیشتی و ارائه راهکارهای ساختاری برای پیشگیری از نارضایتی بوده‌اند، اما رسانه‌های ضدانقلاب با شگرد کلاژ محتوایی، نقد درون‌ساختاری را به عنوان گواهی بر فروپاشی و القای اعتصاب سراسری بازنمایی کرده‌اند

اهداف القای

ایجاد هراس اقتصادی، تحریک فعالان سایر بازارها به تعطیلی، ناامنی در **فضای کسب و کار و برهم‌زدن روانی ثبات بازار جهت تشدید جهش نرخ ارز**

شکل‌گیری اجماع صنفی و اجتماعی علیه وضعیت موجود، بزرگ‌نمایی دامنه نارضایتی در میان بازاریان، ایجاد تصور آغاز یک **حرکت اعتراضی فراگیر و فراهم‌کردن زمینه روانی برای پیوستن سایر اقشار به اعتراض و اعتصاب**

ایجاد هراس اجتماعی، بی‌ثباتی فراگیر، زمینه‌سازی روانی برای هم‌پیمانی در **اعتصابات و القای پذیرش پایان فرصت‌های اصلاحی توسط رسانه‌های و جریانات سیاسی داخلی**



مخاطبان گرامی
می‌توانند در صورت
تمایل برای عضویت در
گروه اتاق رصد فضای
مجازی صداوسیما در
پیام‌رسان بله به
شماره **۰۹۱۳۷۷۶۰۷۵۵**
درخواست عضویت
دهند.

گروه اتاق رصد برای مخاطبان گرامی این امکان را فراهم نموده تا در سریع‌ترین زمان ممکن دسترسی دقیق و جامع به رصد مسائل اقتضائی، فعالیت جریان‌ات سیاسی و خروجی‌های گزارشات محتوایی اتاق وضعیت معاونت فضای مجازی را داشته باشند.

کانال‌های اتاق رصد فضای مجازی



لینک ورود
اقتصادنگار



لینک ورود
هوش نگار



لینک ورود
اندیشه نما



لینک ورود
روایت اول



لینک ورود
رصد شایعات



لینک ورود
مثبت نما



لینک ورود
بازتاب tv



لینک ورود
رصد tv



لینک ورود
چهره نما



لینک ورود
رصد تحولات فلسطین



لینک ورود
رصد فوری



لینک ورود
ترندنگار